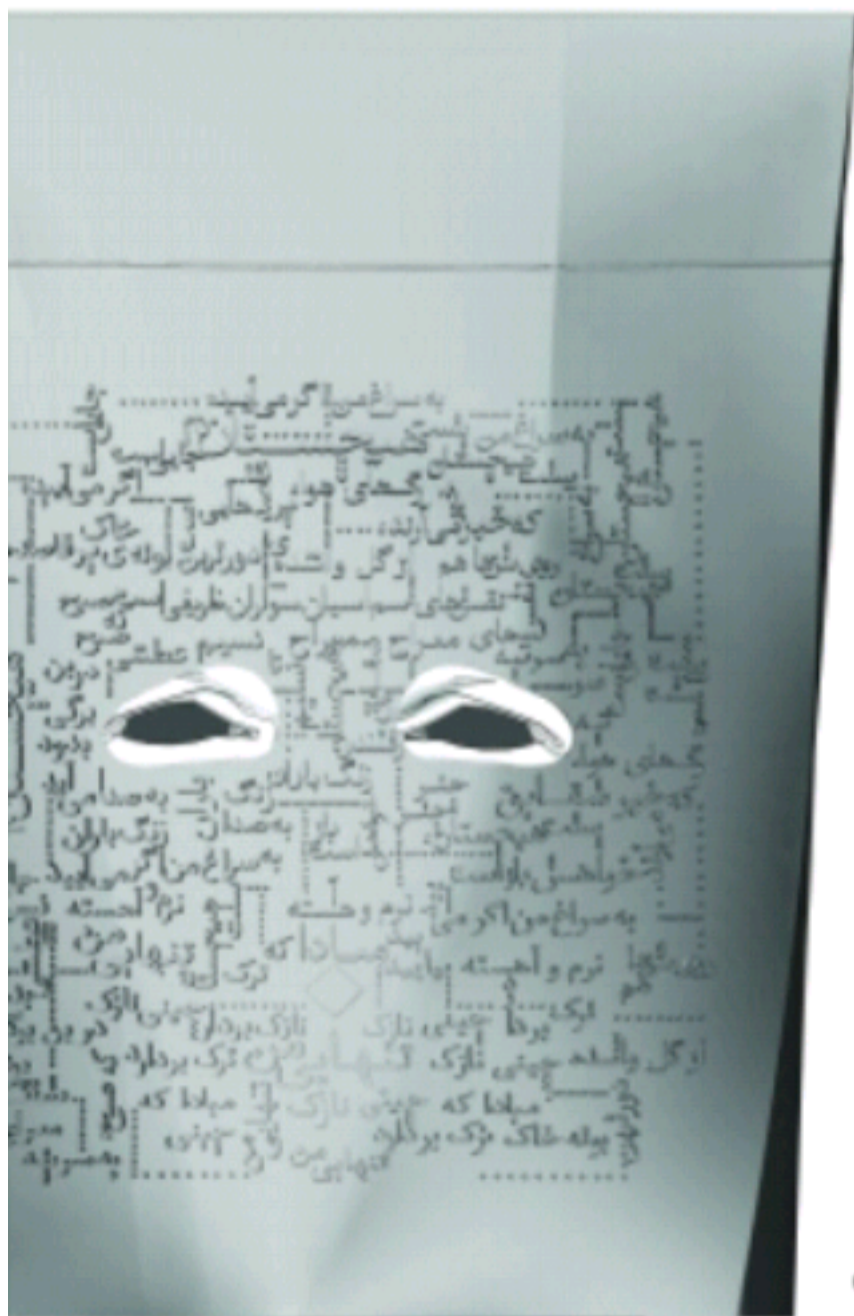


همانطور که جسم ما پوششی بر روح ماست به همان تناسب واقعیت این دنیا نقابی بر حقایق این جهان است. از زمانی که قابیل، هابیل را کشت او ماسک ظالم و دیگری ماسک مظلوم را برگزید ولی حقیقت این دو برادر یکی بود و آن آدم بودن، بود.

آنگاه که خداوند قوانین خود را بر جهان گستراند و رفت، از آن زمان زشت و زیبا، زمان و مکان باعث به وقوع پیوستن این حجاب بر روح ما شد و واقعیت خلق شد. و از آنجا که تنها موجود مختار از نظر تو، خودت هستی، پس اختیار کردی که چه نقابی را بر حسب زمان و مکان و با توجه به معرفتت از حقیقت برای خود برگزینی تا مأمّن روح خود را با آن بسازی.

می دانم، که تنها درجه ما بین حقیقت و واقعیت تو، چشمهایت هستند که حقیقت روح را به حقیقت مجاز و یا واقعیت این دنیا مرتبط می کنند. آنها، که اصل غبار گذشت زمان، تجربه مکان، و تضاد های این دنیای مجاز به حقیقت تو هستند، و تنها نشانه قاب گرفته حقیقت می باشند، حجاب را تحمل نمی کنند و تو بدون آنها نمی بینی و من به بهانه چشمانت به این نقاب ها روح بخشیدم تا حافظی باشد بر چشمانت. ←

به سراغ من اگر می آید،
پشت هیچستانم ...
به سراغ من اگر می آید،
نرم و آهسته بیایید.
مبادا که ترک بردارد،
چینی نازک تنهایی من

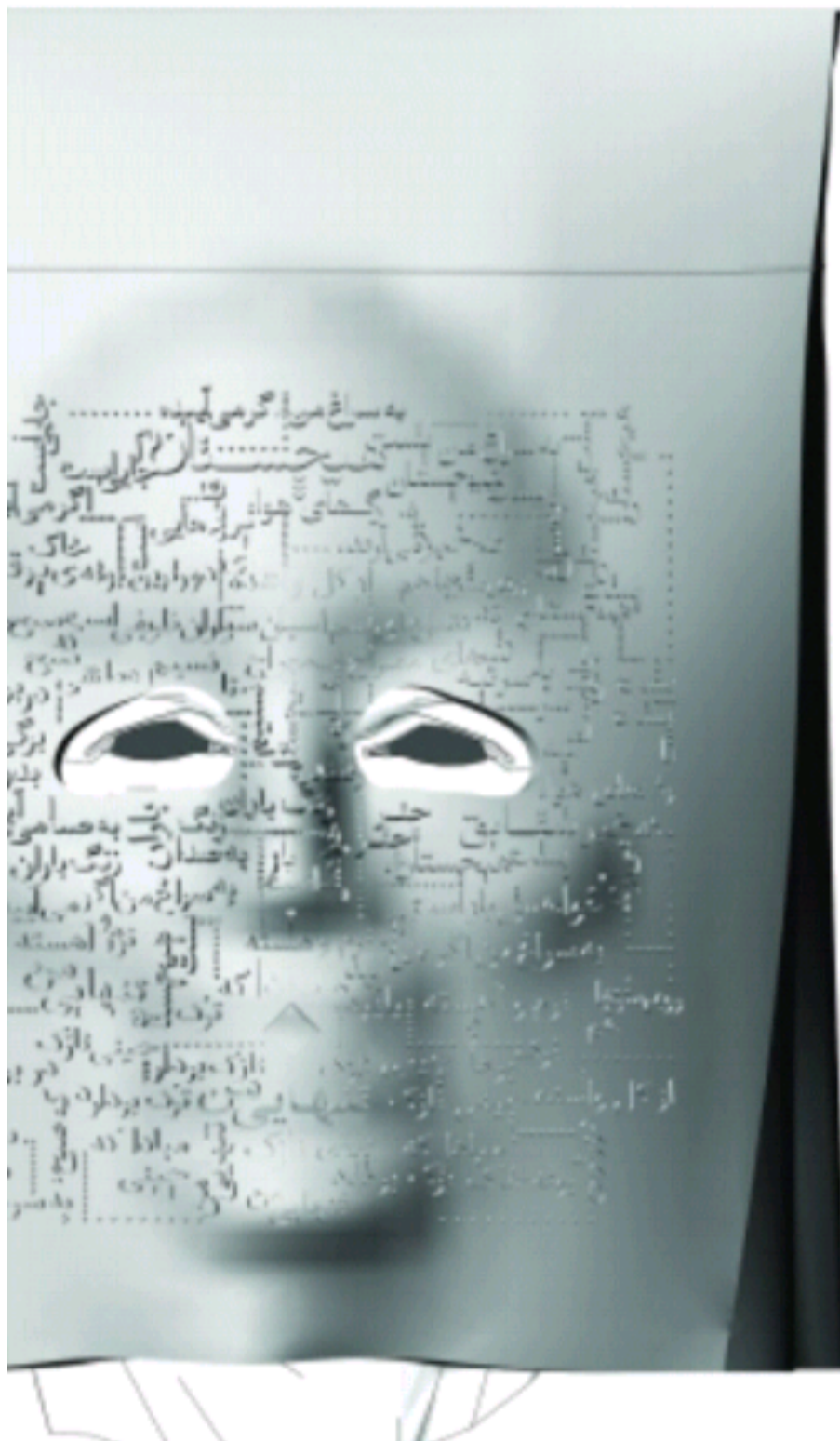


سراغ پیری



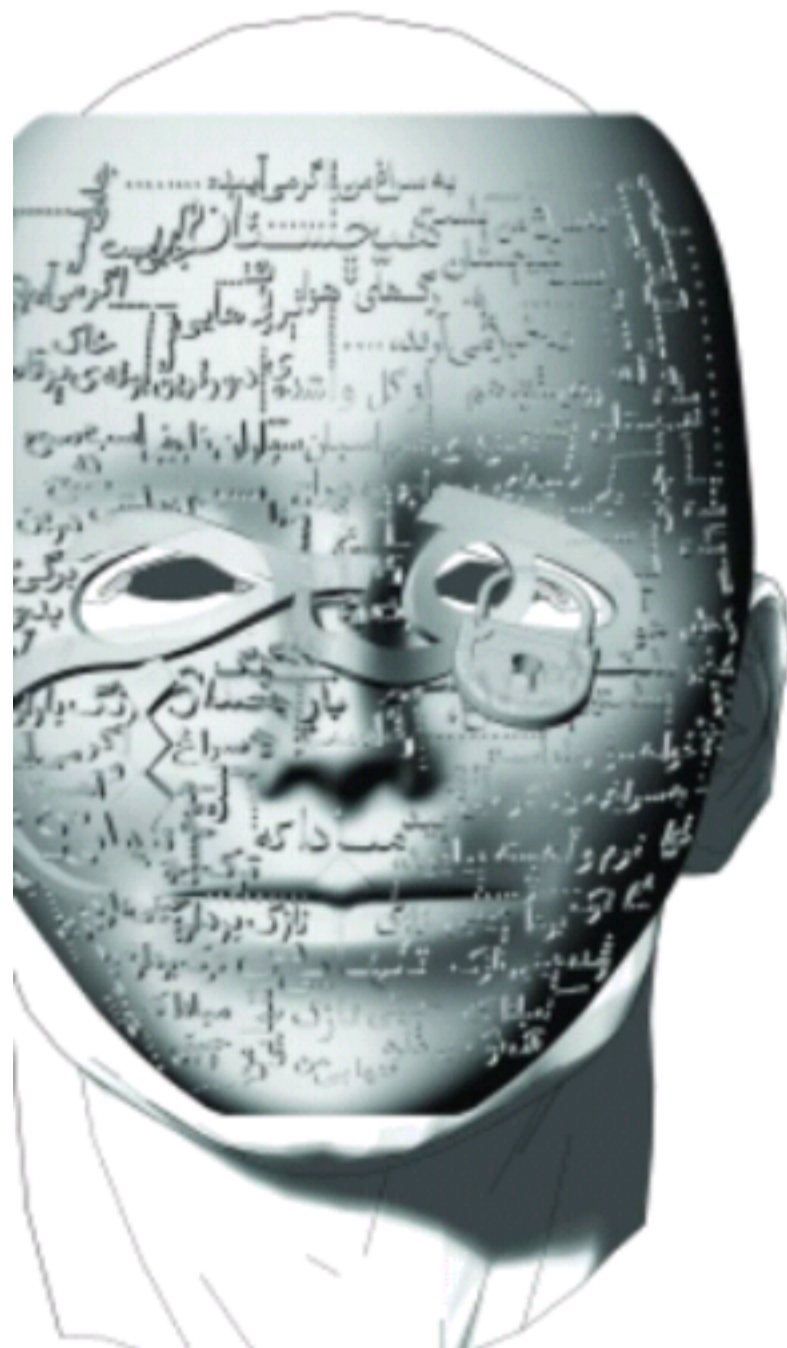


به سراغ من اگر می آید،
پشت هیچستانم ...
به سراغ من اگر می آید،
نرم و آهسته بیاید.
مبادا که ترک بردارد،
چینی نازک تنهایی من



سراج
پیری

به سراغ من اگر می آید،
پشت هیچستانم ...
به سراغ من اگر می آید،
نرم و آهسته بیایید.
مبادا که ترک بردارد،
چینی نازک تنهایی من



سهراب سپهری





حجاب چهره جان منو عمارت
خوشا دمی که ازین چهره پرده برم



هنر شیرازی





خیام را اگر ز بلاه مستی خوش بشک
با ماهرخی اگر نشستی خوش بشک
چون عاقبت کار جهان نیستی است
انگار که نیستی چو هستی خوش بشک



خیام نیشابوری



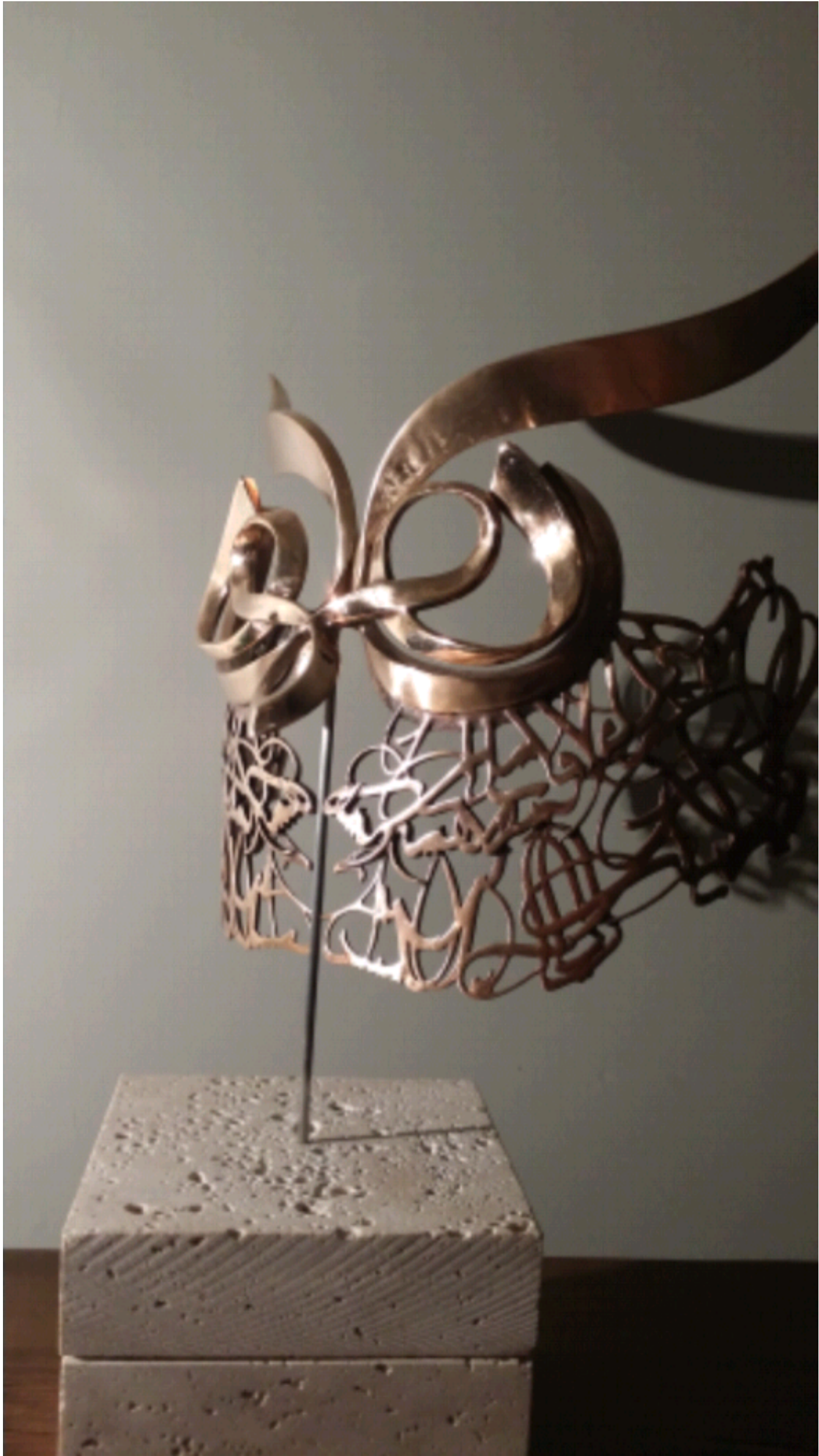


سلامت هم افروز، سلامت پرست
که ظاهرت عزم و باطنت نیت است



هنر شیرازی

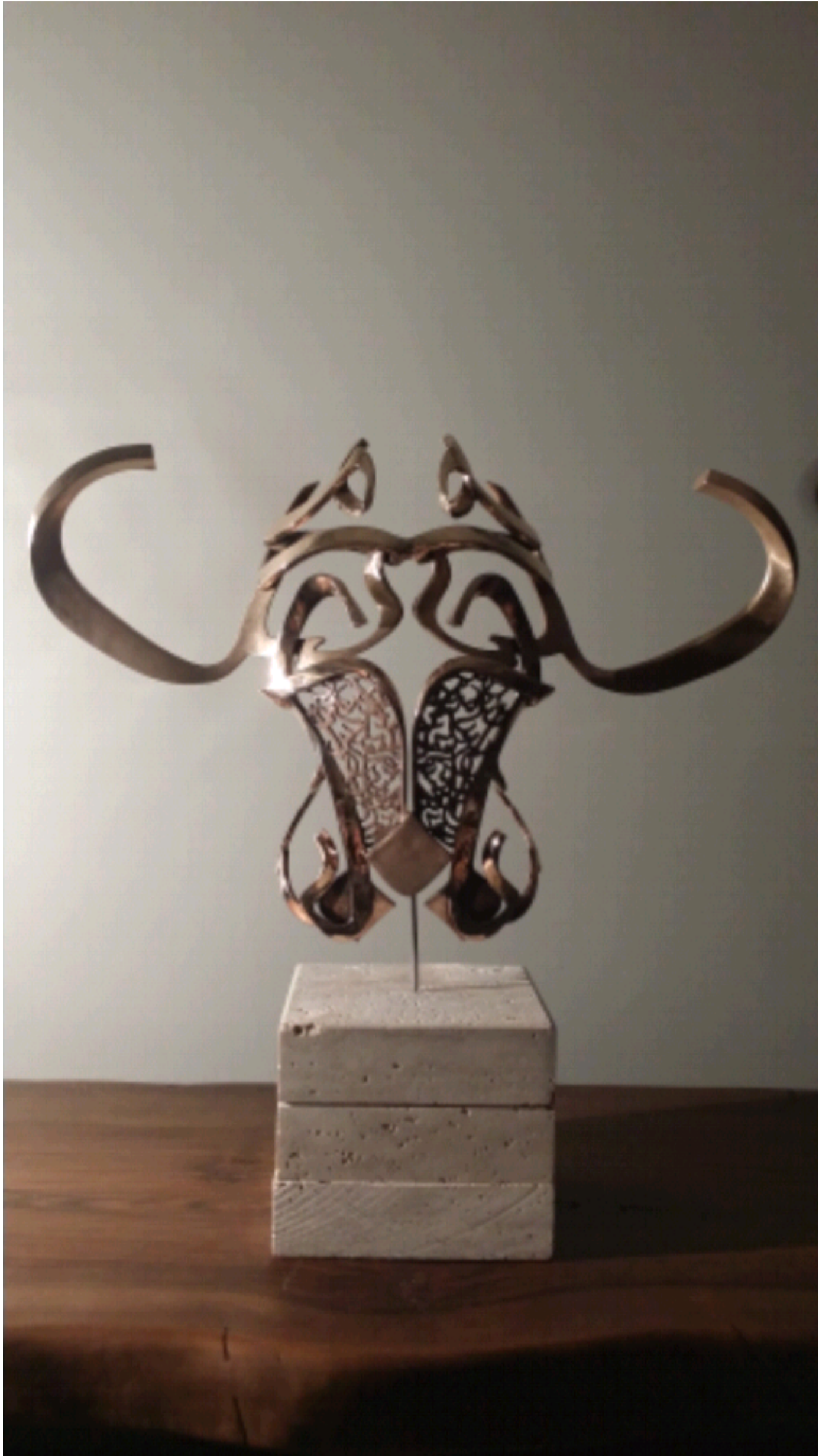




اگر دیگران کا اصلاحشان آدھی آدھی
ہم مرد، مند اور ہم مردی آدھی آدھی
نہ انہ کس از مردی روشتا
کز آن مردی نیکست بروی سپا



نظامی گنجوی





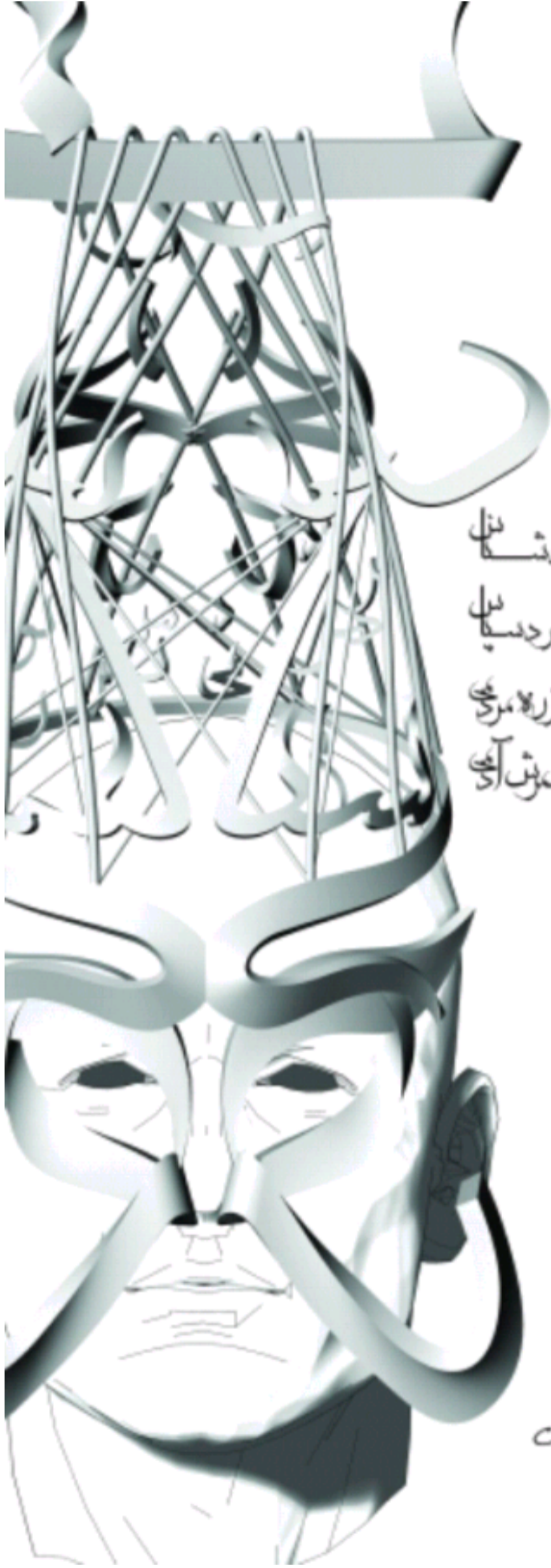
علم را بر تن زینت ماری بود
علم را بر دل زینت یاری بود
آگهی از قصه ای خونین در دم
آنکه داد اندر حلیه رس علوم
پایه در زنجیر توجیحات عقل
کشته اش طوفان ز ظلمات عقل



آمال لاهوری







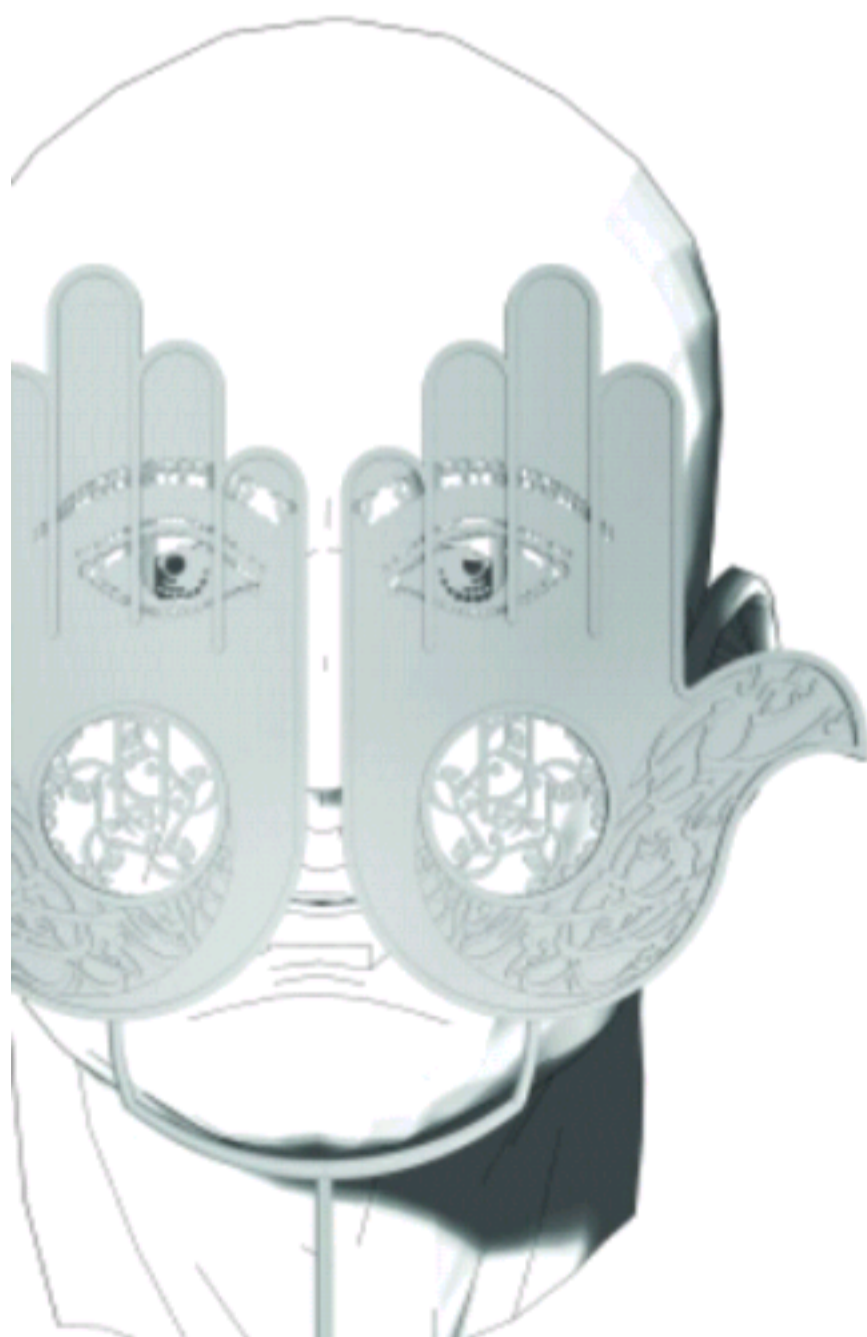
تو مردی را مرده بدشت
هر آن کوز بزبان ندارد دست
هر آن کس گذشت از راه مرده
ز دهرین شهر، شهرش آید

ابوالقاسم فردوسی





این همه عکس مر و نقش کار خیر که نموده
بیرکس و نفع سادت و در جرم فکار



حفظ شیرازی

این همه عکس مر و نقش کار خیر که نموده
بیرا نسیغ نسیغ ستمت و در حب مفاخر



حنظ شیرازی







این همه عکس مرد نقش کار خیر که نموه
بیرکس رفع ستمت و در جبارم فخر



حفظ شیرازی

حجاب

واقعیت بیرون، حقیقت درون

حقیقت بیرون، واقعیت درون







حجاب



دا عكس







حجاب

حمایت

محدودیت













